مداحان

بانک جامع اشعار



با موضوع: حضرت امام سجاد (ع)

جلد (۶)

بسم الله الرحمن الرحیم

بانک جامع اشعار مداحان

نویسنده:

مهدی سروری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بانک جامع اشعار مداحان جلد ۶

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۰
عنوان و نام پدیدآور:بانک جامع اشعار مداحان (جلد۶)/ مهدی سروری (مداح)
مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع : حضرت امام سجاد (ع)

حضرت امام سجاد (ع)

ولادت

۱- نسیـم آورد بوی عطر بهاران

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک مرثیه
قالب ترکیب بند
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع مرآت ولایت ۳
تعداد استفاده ۰

متن شعر

نسیـم آورد بوی عطر بهاران
فضـا گشتـه خـرّم چو روی نگاران
سمـا سـرخ‌تر از رخ لالـه‌رویان
زمیـن سبزتـر از خـط گلعـذاران
ملـک مشـک افشانـد از عطر گیسو
فلک بر زمین بارد اختـر چـو بـاران
ندا مـی‌دهد مـرغ شـب لحظه‌لحظه
که روشن شده چشمِ شب‌زنده‌داران
جمـال خـدا را بـه بیـت ولایت
بیاییـد یـاران ببینیـد یـاران!

عروس محمّد علی زاد امشب

ولیِ خـدا را ولـی زاد امشب

*****

الا ای همـه خلق عالم خدا را

خدا خوانده امشب شما را شما را

برآییــد از پــرده ی تیرگــی‌ها

ببینیـد بـی‌پرده روی خـدا را

در آغوش فُلک نجات دو عالم

ببینیـد روشـن چـراغ هدا را

ببینیـد در لیلـه ی پنجِ شعبان

رخِ چارمیـن حجّتِ کبریـا را

بگردیـد دور حریـم جمـالش

ببینید هم مروه را هم صفا را

امام شهیدان که جان است جان را

گرفتـه در آغـوش، جان جهان را

*****

دل عالمـی بستـه بـر تـار مویش

ز شمس الضحی برده دل ماهِ رویش

حیات است مرهون عیـن الحیاتش

بقا قطره‌ای کوچک از آب جـویش

تو گویـی کـه از صبـح روز ولادت

دمد وحی صاعـد ز نـای گلـویش

ننوشیــده مــی، ساقیـان بهشتی

فتادنـد مستانــه پــای سبـویش

نبـرده است تنهـا دل دوستـان را

که دشمن بوَد کشته ی خلق و خویَش

خصالش محمّد کمالش محمّد

جلالش محمّد جمالش محمّد

*****

سـلامٌ علـی آلِ طاهــا و یاسیــن

به این خلق و این خوی و این عزّ و تمکین

رخش مصحف فاطمه، حُسن، قرآن

پُر از «قدر» و «والليل» و «والشمس» و «والتین»

درود الهـی بـر آن خُلق نیکو
سلام محمّد بر آن خوی شیرین
نماز از خضوعش بـه پـرواز آید
دعا از نفس‌های او بستـه آذین
به سجـاده‌اش آسمان آورد سر
به ذکر دعایش خدا گوید آمین
سلام خدا بر خضوع و خشوعش
قیام و قعود و رکوع و سجودش
*****
درود خداونـد حـی جلیلـش
به قدر و کمـال و جمال جمیلش
عجب نیست در مسلخ عشق و ایثار
اگـر بوسـه بـر دست آرد خلیلش
عجـب نیست کز عرشه ی عرش اعلا
طـواف آرد از چـارسو جبرئیلش
سلاطین غلامش، خواتین کنیزش
طوایـف مریـدش، قبایل دخیلش
حجـر شاهـد عـزت و اقتـدارش
هشـام ابـن عبدالملک‌ها ذلیلش
بسا تخت شاهی فرو رفت در گل
کجا حاکم گِل شود حاکم دل؟
*****
(ذلـت هشـام و عـزت امام)
«هشـام» استـلام حجـر تـا نماید
در آن ازدحـام خـلایق نشایـد
نه قدری که از وی شـود قدردانـی
نه کس بود تا کس بر او ره گشایـد
بـه ناگـاه دیدنـد آمـد جوانـی
کـه پیوستـه او را حَجر مـی‌ستاید
گشودنـد حُجّـاج از چار سو، ره
کـه آن شاهـد حسـن یکتا بیـاید
یکی خواست تا سر به پایش گذارد
یکـی رفـت تـا جـان نثارش نماید

یکی گفت نامش چه باشد هشاما

– حسد را نگر– گفت: نشناسم او را

*****

به ناگه «فرزدق» خروشید در دم

که: ایـن است نجل رسول مکرم!

تو چون می‌کنی در مقامش تجاهل؟

من او را بـه از خویشتن می‌شناسم

نمـاز اسـت بـی او گـنـاه کبیره

ثواب است بی او خطـای مسلّم

تعـالیم اسـلام از اوست جـاری

قوانین توحیـد از اوست محکم

چراغـی است بـر قلـه ی آفرینش

امام است بـر جمله ی خلـق عالم

سلام و رکوع و سجود است از او

قنوت و قیـام و قعود است از او

*****

امامـی اسـت کـو را امـم می‌شناسد

کریمـی اسـت کـو را کرم می‌شناسد

صفا، مروه، مسعی، حجر، حجر، زمزم

طـواف و مطـاف و حـرم مـی‌شناسد

بیابـان مکـه، منـا، خیـف، مشعر

سمـاوات و لوح و قلم مـی‌شناسد

زمین می‌شناسد، زمان می‌شناسد

عرب می‌شناسد، عجم می‌شناسد

یم و قطره و ماه و خورشید، او را

بـه ذات الهـی قسـم می‌شناسد

سلام خدا بر اب و جد و مامش

مسلمان بود هر که داند امامش

*****

(سخن با مولا)

سلام ای سلام خـدا بـر سـلامت!

درود ای کـلام الهـی، کـلامت!

تو هم سجده؛ هم سیدالساجدینی

که قلب حسین است بیت‌الحرامت

مسلمـان نباشم نبـاشم نبـاشم

ندانـم اگـر بـر خـلایق امـامت

سلام خدا بـر سجـود و رکوعت

درود خـدا بـر قعـود و قیـامت

حجر بر در خانه‌ات قطعه سنگی

مقـام آورد سـر بـه پای مقامت

تو حَجّی صلاتی زکاتی جهادی

تو ممدوح بـا نامِ زین العبادی

*****

تو در تیرگــی‌ها سـراج المنیری

تو همچون پیمبر، بشر را بشیری

سمـاوات و عرشند در اختیـارت

تـو آزاده ی عالمـی، کـی اسیـری؟

تو در کنـج ویرانه‌ها هـم بهشتی

تو در زیــر زنجیرهـا هـم امیری

به پای تو سر کرد خم «سربلندی»

تو تنها به نزدِ خدا سر به زیری

یمِ هشت بحری و درِّ سـه دریا

ولـی خداونــد حــیّ قدیـری

تو «قدر» و «تبارک» تو «فرقان» و «نوری»

تو عیسـی تـو گردون تو موسی تو طوری

*****

تو با خطبه‌ات شام را شـام کردی

تو همچون علی فتح اسـلام کردی

تو از شـام، پیغـام خـون خـدا را

به هر عصر و هر نسل، اعلام کردی

تو بـر روی دشمـن نمـودی تبسّم

تو حتی به «مروان» هم اکرام کردی

تو دل پیش زخـم زبان‌هـا گشودی

تو دعـوت ز سنـگِ لبِ بـام کردی

تو در کوفه یک لحظه دخت علی را

بـه اوج خروشیــدن آرام کــردی

تو با صبر و با حلم و با استقامت

بـه قـرآن بقـا داده‌ای تا قیامت

*****

تو زمزم، تو مروه، تو سعـی و صفایی

تو فرزنـد کعبـه، تـو خیـف و منایی

تو قرآن، تو احمد، تو حیدر، تو زهرا

تـو در حُسـن، آیینـه ی مجتبـایی

امامـی و، پیغمبـری از تـو زیبد

کـه تنهـا پیـام‌آورِ کـربلایی

کلامت بوَد وحیِ صاعد چه گویم

تــو از پــای تـا سر کلامِ خدایی

دعـا بــر دهـان و لبت بوسه آرد

همانـا همانـا تــو روح دعـایی

چه بهتر که «میثم» ثنای تو گوید

بـرای تـو خوانـد، بـرای تو گوید

*****

۲- جهان شده از نو، دوباره آبادت

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

جهان شده از نو، دوباره آبادت

حسین زند بوسه، هماره بر رویت

چو آسمان ریزد، ستاره بر کویت

خوش آمدی سجاد(۲)

*****

تو ماه تابانی، تو جان جانانی

رسیده ای از راه، خوش آمدی مولا

بیا گل زهرا، نظر نما بر ما

نشسته بر لبها، ذکر علی جانم

خوش آمدی سجاد(۲)

*****

عزیز زهرایی، امید دلهایی

به ما گنهکاران، شفیع فردائی

به خوبی گلها، به لاله صحرا

به مادرت زهرا، عیدی بده بر ما

خوش آمدی سجاد(۲)

*****

به لطف بی همتا، دوباره شد پیدا

گلی ز گلزار، فاطمه ی زهرا

خوش آمدی سجاد(۲)

*****

۳- آی رفقا بشارت داریم میریم زیارت

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آقام علی بن الحسین مدد(۴)

*****

آی رفقا بشارت داریم میریم زیارت

زیارت کسی که دلا رو کرده غارت

زیارت مدینه عجب صفائی داره

کرببلاست ولیکن قبر و ضریح نداره

بین تموم قبرا مقصد من یه آقاست

اونکه میون قلبم بعد حسین زهراست

قلبم حسین آباده رو لبم این فریاده

میون عالم عشق و دلبر من سجاده

سید و ساجدینه جمال رب داور

آمده اونکه داره نشونه های حیدر

اسمش هم اسم حیدر الگوی هر پیمبر

ابروهای کمونش یه ذوالفقار دیگر

۴- ساقی قدحی باز مرا جام نیاز است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ساقی قدحی باز مرا جام نیاز است

سر ریز کن این باده که تا صبح دراز است

امشب شب بزم و کرم شاه حجاز است

میلاد دل افروز مسیحای نماز است

ز آن روست که دل مست خدای ازلی شد

در بند علی بن حسین بن علی شد

*****

مهتاب شگفت شب طاعات رسیده

خورشید خداوند عبادات رسیده

سر حلقه ای از حلقه ی سادات رسیده

فصل می و مستی و مباهات رسیده

زین بعد چنین بزم مگر خواب ببینید

لبخند تماشائی ارباب ببینید

*****

مجنون زده ی کوچه ی حیرانیم امشب

بر حلقه ی گیسوی غزلخوانیم امشب

از شوق به رقص آمده طوفانیم امشب

خاک گل شهبانوی ایرانیم امشب

هر چند که از آب و گل ایل حسینیم

با آمدنش ما همه فامیل حسینیم

*****

ای باغ محبت گل محراب نیایش

عیسی نفسان را نفس ناب نیایش

ای چشمه ی جوشنده ی سیراب نیایش

ای قبله ی تابنده ی ارباب نیایش

ای آینه ی حی جلی حضرت سجاد

ای زین حسین بن علی حضرت سجاد

*****

خورشید ترین قبله ی خورشید تویی تو

آسوده ترین ساحل امید تویی تو

عیدانه ترین باده در این عید تویی تو

آن سویِ سراپرده ی توحید تویی تو

از روز ازل بود که با چشم تو مستیم

تا جام به دست تو بود باده پرستیم

*****

فانوس خیالیم همه بر سر راهت

دنبال دل گمشده بر زلف سیاهت

تنها دل ما نیست به دنبال پناهت

جبریل کبوتر شده در چتر نگاهت

خُم را همه با نام تو سرمست شکستند

در عرش به عشق تو سر و دست شکستند

*****

ای نام تو فوّاره ی زیبایی دنیا

ای آینه ی شیر خدا وقت تماشا

ای خون خدا را علی عالی اعلی

سوگند به تو ای علی سوم زهرا

سبقت ز همه می بری هنگام دلیری

مانند ابوالفضل اگر تیغ بگیری

*****

تا نور تو در بیت ولا جلوه گر آمد

گویا که خدا بود که در هر نظر آمد

آغوش گشود و به کنارت پدر آمد

بر طوف قماط تو دو چشمان تر آمد

گفتا همه را این ثمر کوثر عشق است

رزمنده ی راه من و پیغمبر عشق است

*****

میلاد تو با اشک و تو همزاد سرشکی

در بغض شب غمزده فریاد سرشکی

غم خانه ی زخمی و غم آباد سرشکی

سجاده ی غمهائی و سجاد سرشکی

رنگین شده این بزم از این اشک فشانی

آه ای نمک سفره ی هر مرثیه خوانی

*****

در هر نفست یاد فراق شهدا بود

بر پیکرت آثار غم کرببلا بود

در دست تو زنجیر اسارت و جفا بود

بر شانه ی تو نقش قدمهای بلا بود

مرثیه ی سوزنده ی احساس تو هستی

راوی عزاخانه ی عباس تو هستی

*****

۵- مرغ جان در سینه حق حق می کند

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مرغ جان در سینه حق حق می کند

نظقم اعجاز فرزدق می کند

رقص کرده در تنم روح کمیت

وز دلم جوشیده مدح اهلبیت

سجده آوردم به خاک حمیری

کرده ام از اهل معنا دلبری

ای ولی حق علی بن الحسین

ای حسین بن علی را نور عین

بلبلم کن تا نواخوانت شوم

دعبلم کن تا ثناخوانت شوم

ای چراغ و چشم مصباح الهدی

تا ابد بر کشتی دل ناخدا

قطب عالم مقتدای ساجدین

سید العباد زین العابدین

ای سلام ما شب میلاد تو

تا قیامت بر تو و اولاد تو

ماه گردون نقشی از تصویر توست

گردن خورشید در زنجیر توست

از پی میلاد بابا آمدی

به عجب روزی به دنیا آمدی

حوض کوثر تشنه کام کام تو

چاه زمزم سینه چاک جام تو

جود هنگام دعا شرمنده ات

ابر بارد از دعای بنده ات

زلف حورا رشته ی قنداقه ات

چشم رضوان خاک پای ناقه ات

عید میلاد تو میلاد دعاست

یاد تو یاد خدا یاد دعاست

هم به چرخ آفرینش محوری

هم ز ثار ا... پیغام آوری

صبح ، صبح از طلعت زیبای توست

شام ، شام از خطبه ی غرّای توست

معجز عیسی به شأن تو کم است

ای که از تو زنده جان عالم است

حج کعبه دیدن رخسار توست

کعبه خود در سایه ی دیوار توست

وای بر من تو کجا و مدح من

ذره از خورشید چون گوید سخن؟

وصف تو با خالق منان توست

انت زین العابدین در شان توست

مرغ شب محو مناجات شبت

داده دل بر ذکر یارب یاربت

روی تو چون روی قرآن دلگشاست

دستهای بسته ات مشگل گشاست

۶- ما همان یا کریم دام شما

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب ترکیب بند

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۱-۷۶

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ما همان یا کریم دام شما

جبرئیل قدیم بال شما

صبح روز نخست خواندمتان

چقدر آشناست نام شما

صبح روز ازل حوالی نور

سجده کردیم بر کدام شما

من حلالم بود حلال شما
من حرامم بود حرام شما
چارده قرن دست هیچ کسی
بر ندارم به احترام شما
به شما معدن کرم گفتند
وَ به ما سائل حرم گفتند
*****
پر من بال و بال من پر شد
پر و بالی زدم کبوتر شد
به نفس های حضرت عیسی
حال مان خوب بود و بهتر شد
سحر پنجم عبادت بود
کوچه های خدا معطر شد
مردی از سمت ابرها آمد
آمد و خشکی دلم تر شد
آمد و با خودش کتاب آورد
او امام آمد و پیمبر شد
مردی از سمت آفتاب آمد
با مفاتیح مستجاب آمد
*****
آمده تا مرا تکان بدهد
چشم گریان به این و آن بدهد
آمده روی پشت بام سحر
با صدای خدا اذان بدهد
بشکند میله ی قفس را تا
بال ما را به آسمان بدهد
با خودش نور مصحف آورده
تا خدا را به ما نشان بدهد
به نگاهش دخیل می بندیم
تا مناجات یادمان بدهد
ای مسیح ای مسیر سبز نجات
بر مناجات کردنت صلوات
*****

ای مناجات ای نسیم دعا

راه نزدیک ما به سمت خدا

ای که دریا کنار تو قطره

قطره با یک نگاه تو دریا

نذر سجاده ی قدیمی توست

چارمین رکعت نوافل ما

ای امام، علی دوم من

ای امام چهارم دنیا

مرد شب زنده دار سجاده

مرد محراب التماس دعا

از تو بوی نماز می آید

بوی راز و نیاز می آید

*****

مادر آفتاب حجب و حیاست

شرف الشمس سیدالشهداست

مایه ی آبروی ایران است

افتخار همیشه ام به شماست

از تو و مادر تو این دل ما

عاشق خانواده ی زهراست

یک سفر پیش ما نمی آیی

وطن مادری تو اینجاست

تو عجم زاده ای تو فامیلی

پس حرم سازیت به گردن ماست

تو در این سرزمین گل کاری

به خدا حقّ آب و گل داری

*****

آفتابی که حق کشیده تویی

جلوه ای که کسی ندیده تویی

با ظرافت خدای عزّوجل

بی نظیری که آفریده تویی

آنکه با کینه ی تولایش

پای میزانمان کشیده تویی

شب اسیر هزار رکعت تو

به خدایم قسم پدیده تویی

نخل های بلند نخلستان

بارش رحمتی که دیده تویی

با دعای غلام تو می بارد

دارد آسمان مدینه می بارد

*****

بی تو سجاده ای اگر هم بود

فرش رسوایی دو عالم بود

بی تو یا حرفی از بهشت نبود

یا که جنت همان جهنم بود

خطبه های گلوی زخمی تو

انعکاس غروب ماتم بود

تو اگر روضه ای نمی خواندی

سال ما سال بی محرم بود

از تو داریم فصل ماتم را

ده شب گریه ی محرم را

*****

احترام تو را سلام نبود

حق تو کوچه های شام نبود

حق آئینه ها شکستن نیست

گیرم این آینه امام نبود

هیچ جایی برای حال شما

بدتر از مجلس حرام نبود

ناله کردیّ و گفته ای ای کاش

هیچ سنگی به روی بام نبود

*****

۷- سجاد بهار سجده ها می آید

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سجاد بهار سجده ها می آید

با مصحف دانش و رضا می آید

فرمود نبی حسین مصباح هداست

نور دل مصباح هدی می آید

۸– ای اهل دعا روح دعا باد مبارک

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای اهل دعا روح دعا باد مبارک

در دیده تجلای خدا باد مبارک

این عیدِ مبارک، به شما باد مبارک

لبخند امام شهدا باد مبارک

جان در بدن عالم ایجاد مبارک

آمد به جهان حضرت سجاد مبارک

*****

ای بانوی ایران پسر آورده ای امشب

ای طوبیِ عصمت ثمر آورده ای امشب

در بیت ولایت قمر آورده ای امشب

الحق که حسین دگر آورده ای امشب

بی پرده ببینید جمال ازلی را

تبریک بگوئید حسین بن علی را

*****

حِجر و حَجر و حلّ و مقام و حرم است این

دریای خروشنده ی جود و کرم است این

در مجمع خوبان دو عالم، عَلَم است این

دُردانه ی شهبانوی ملک عَجم است این

گردید عیان کوکب اقبال محمد

چشم و دلتان روشن، ای آل محمد

*****

این ماه تمام است تمام است تمام است

فرزند قیام است قیام است قیام است

ذکر است و سلام است و سلام است سلام است

بر خلق امام است امام است امام است

این گوهر رخشنده ی دامان سه دریاست

چارم وصی ختم رسل، یوسف زهراست

*****

این ماه، چراغ مه شعبان حسین است

این بضعه ی ثار الّه و این جان حسین است

این لاله ی خندان گلستان حسین است

این آیه به آیه همه قرآن حسین است

این جان حسین است بدانید بدانید

قرآن حسین است بخوانید بخوانید

*****

خیزید که از اشک و شعف آینه شوئیم

چون لاله ی خندان سر هر شاخه بروئیم

پرواز کنان تا حرم ا... بپوئیم

مانند فرزدق بخروشیم و بگوئیم

ریزد به ثنایش دُرِ ناب از دهن ما

تا شام شود روزِ هشام، از سخن ما

*****

این است که توحید از او یافت ولادت

دارد به وجودش حرم ا... ارادت

داده به مقامش ز ازل کعبه شهادت

کردند به مهرش همه حجاج، عبادت

این سید و مولا و امام حرمین است

این سبط نبی، پور علی، نجل حسین است

*****

این سوره ی قدر و زُمر و یوسف و طاهاست

این سید بطحا پسر سید بطحاست

این نور دل فاطمه ی ام ابیهاست

این نوح و خلیل است و کلیم است، مسیحاست

رخشنده چراغ دل هر انجمن است این

سر تا به قدم آینه ی پنج تن است این

*****

ای یوسف زهرا شده مبهوت کمالت

ای عرش خدا گوشه ای از قصر جلالت

یادآور خُلق نبوی، خُلق و خِصالت

با آنکه بود حلقه ی زنجیر مدالت

با آنکه به گردن اثر سلسله داری

آقائی و اشراف به هر سلسله داری

*****

غیر از تو که در شام بلا خطبه بخواند

در حلقه ی زنجیر، عدو را بکشاند

در کاخ ستم یکسره آتش بفشاند

بر خاك مذلّت همگان را بنشاند

تو صاحب فریاد تمام شهدائی

بر جان ستمگر شرر خشم خدایی

*****

غیر از تو که در سلسله ی سخت اسارت

بر فرق ستمکار زند مشت حقارت؟

ویرانه کند کاخ ستم را به اشارت؟

تازد به سپاه ستم و ظلم و شرارت؟

در خطبه ی تو خشم خدای ازلی بود

فریاد خروشان خدا صوت علی بود

*****

ای سر زده از سینه ی هر نسل ندایت

ای زمزمه ی وحی خداوند صدایت

اسلام، رهین نفس روح فزایت

در سلسله پیوسته به لب ذکر خدایت

روزی که نبودی خبری از گِل «میثم»

شد بسته به زنجیر ولایت دل «میثم»

*****

۹- فلک را دیده امشب بر زمین است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

فلک را دیده امشب بر زمین است

مدینه رشک فردوس برین است

بگوشم هاتفی از غیب گفتا

شب میلاد زین العابدین است

۱۰- میلاد زین العابدین است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

میلاد زین العابدین است

عید امام الساجدین است

زهرا و حیدر، مسرور و دلشاد

آمد به دنیا امام سجاد

*****

ای عترت پاک پیمبر

ای شیعه ی زهرا و حیدر

شادی نمائید، شد عید میلاد

آمد به دنیا امام سجاد

*****

یا فاطمه چشم تو روشن

بیت الولا گردیده گلشن

حق بر حسینت، یک دسته گل داد

آمد به دنیا امام سجاد

*****

رشک جنان شد دشت و صحرا

عروسِ ایرانیِّ زهرا

وجه خدا را، وجهی دگر زاد

آمد به دنیا امام سجاد

*****

روشن دل اهل یقین است

عید امام العارفین است

اهل حقیقت، تبریکتان باد

آمد به دنیا امام سجاد

*****

هستی ما بود ولایش

تفسیر جانبخش دعایش

دل با دعایش، حق را کند یاد

آمد به دنیا امام سجاد

*****

دعای او صفای جان است

حرز تمام شیعیان است

ما را نماید، پیوسته امداد

آمد به دنیا امام سجاد

*****

۱۱- محیط نور را نور آفریدند

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

محیط نور را نور آفریدند

سپاه شور را شور آفریدند

به خورشید ولایت ماه دادند

بگو نورٌ علی نور آفریدند

سپهر امشب زند بر خاک، زانو

ملک خواند ثنای شهربانو

*****

خدا امشب ولیّش را ولی داد

جمالی منجلی نوری جلی داد

حسین بن علی چشم تو روشن

که امشب بر تو ذات حق علی داد

شب وجد اما عالِمین است

که میلاد علی بن الحسین است

*****

جمال بی مثال داور است این

به خَلق و خُلق و خو پیغمبر است این

حسن زادی، حسین آورده ای یا

امیرالمؤمنین دیگر است این

به چشم نور از او نور بارد

جمال چارده معصوم دارد

*****

به مولا جلوه ی مولا مبارک

جمال ربّی الاعلی مبارک

امام چارم آوردی به دنیا

عروس حضرت زهرا مبارک

عبادت های حیدر یاد آمد

که عید حضرت سجاد آمد

*****

به چشمم نور مطلق آفریدند

به نامم ذکر یا حق آفریدند

یقین باشد مرا امشب دوباره

به سر شور فرزدق آفریدند

سرشک شوق ریزد از دو عینم

که مداح علی بن الحسینم

*****

به صورت حُسنِ صورت، آفرینش

ز صورت آفرینش، آفرینش

فلک خواند به لب عین الحیاتش

ملک گوید به رخ حق الیقینش

کلام وحی ریزد از دهانش

دعا گل بوسه گیرد از لبانش

*****

خدا مشتاق یارب یارب اوست

سحر دلداده ی ذکر شب اوست

کلیم ا... مدهوش تکلم

مسیحا زنده ی لعل لب اوست

عبادت بوسه گیرد از جبینش

خدا فرموده زین العابدینش

*****

ولایت تشنه ی جام ولایش

همه دلهاست دشت کربلایش

چهل پرواز از گودال تا شام

چهل معراج تا طشت طلایش

سفر از کبریا تا کبریا داشت

عروجی همچو ختم الانبیا داشت

*****

به خلقت در اسارت مقتدایی

کند در بندگی کار خدائی

کند روز اسارت دست بسته

ز کار عالمی مشکل گشائی

فراز ناقه ی اوج اقتدارش

زبان هنگام خطبه ذوالفقارش

*****

کلامش همچو آیات شریفه

حماسه، روشنی، حکمت، لطیفه

به دریای دل اهل تولّی

گهر جاری است از متن صحیفه

دعای اوست وحی آسمانی

معانی در معانی در معانی

*****

الا سیر عروجت تا سحرگاه

مِن ا... و اِلی ا... و مَعَ ا...

نهان از چشم ها اسرار خود را

علی با چاه می گفت و تو با ماه

تو قرآنی تو ایمانی تو دینی

تو سر تا پا امیرالمؤمنینی

*****

مزارت بیت قرب داور ماست

بقیعت کربلای دیگر ماست

به معراج عروج از خویش تا دوست

تولای شما بال و پر ماست

به «میثم» از ازل شد این عنایت

که با مهر شما گردد هدایت

*****

۱۲- بر حضرت سجاد و صفایش صلوات

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بر حضرت سجاد و صفایش صلوات

او روح دعاست بر دعایش صلوات

از پرده ی غیب جلوه گر شد رخ او

بفرست برای رونمایش صلوات

فضائل

۱- قلم به دست شدم تا ز دستها بنویسم

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ***

قالب قصیده

شاعر انسانی حاج علی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

قلم به دست شدم تا ز دستها بنویسم

غریب وار پیامی به آَشنا بنویسم

نرفته یک غمم از دل غمی دگر رسد از ره

به خانه ی دل تنگ و برو بیا بنویسم

غریبی من و دل را کسی چه داند و بهتر

که مویه های غریبانه با رضا بنویسم

پی رضای رضا بودم و به خویش بگفتم

روم به طوس، در آنجا ز کربلا بنویسم

به یاد کودکی و درس و مشق و مدرسه افتم

به تخته مشق ز بابا و طفل و آ بنویسم

چه کودکانه و خوش باورانه بود و فسانه

نه آبی آمد و نی باد پس چرا بنویسم؟

به یاد قامت سقا و دست و همت سقا

رسا اگر چه نگویم ولی رسا بنویسم

گهی ز پشت حسین و گهی ز فرق ابوالفضل

یکی یکی بشنیدم دو تا دو تا بنویسم

به فرش خاک بیابان به عرش نیزه ی دونان

تنی جدا بسرایم سری جدا بنویسم

چه بر سر تنش آمد ز من مپرس که باید

ز توتیا شده در چشم بوریا بنویسم

بنی اسد بگذارید روی قبر شهیدان

غزل نه، قطعه از آن قطعه قطعه ها بنویسم

ز نوک نیزه و کنج تنور و دیر و نصارا

تمام، سیر و سفر بود از کجا بنویسم

چه می گذشت به بزم یزید با دل زینب

شراب را بگذارم کباب را بنویسم

لبی به طعنه و طغیان لبی لبالب قرآن

دگر مپرس، سزا نیست ناسزا بنویسم

۲- ای تمام آفرینش تشنه ی اشک شبت

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای تمام آفرینش تشنه ی اشک شبت

وی خدا و خلق او مشتاق یارب یاربت

ای مسیحای دعا در هـر نفس، لعل لبت

سینه‌های سوخته یک شعله از تاب و تبت

باب حاجت باب رحمت باب ایمان باب دین

قـطب عرفان، سیّـدسجّـاد، زین‌العابدین

*****

ای مزار بی‌چراغت نور چشم و چشم نور

ای منـاجات شبـت آل محمّـد را زبـور

سجده‌گاهت در عبادت طور نور و نور طور

چشم ظلمت از تو و روی منیرت دور دور

حـاجت خلـق جهـان در آستانت ریخته

وحی ساعد در سماوات از دهانت ریخته

*****

آفتابـا مـاهتاب از جـلوه رویـت خجل

طوبی از قد، جنت از رخ، لاله از بویت خجل

پادشاهـان از گدایـانِ سـرِ کویت خجل

حلقه‌های سلسله از دست و بازویت خجل

نیست تنها دوستان را دست بـر دامـان تو

دشمنان را هم طمع بر لطف و بر احسان تو

*****

تو به خلق و خوی اعجاز پیمبر می‌کنی

گر بخواهی در اسارت کار حیدر می‌کنی

با دو دست بستهٔ خود فتح خیبر می‌کنی

شام را در چشم دشمن، صبح محشر می‌کنی

دست تقـدیر تـو دست اقتدار حیدر است

بلکه هر انگشت تو یک ذوالفقار حیدر است

*****

کربـلا و کوفـه و شـام بـلا رام تو بود

دشمن بیدادگر را وحشت از نام تو بود

تو میان سلسله نه، خصم در دام تو بود

فتح آل مصطفی از خطبـه شـام تو بود

چارده قرن است مسجد می‌کشد از دل خروش

می‌رسد بانگ انا ابن مکه‌ات دائم بـه گوش

*****

سرگذشتت شعله‌ای در دل شد و از سرگذشت

شام شوم از کربلا بهر تو سنگین‌تر گذشت

کس نمی‌داند چه‌ها بر آل پیغمبر گذشت

ناقهٔ عریانت از هر کوچه و معبر گذشت

شامیان از کینه و طغیان شـرار انگیختند

از فـراز بـام‌ها آتش بـه فرقت ریختند

*****

ای ز چشم شیعه جاری خون ساق پای تو

آفتـاب فـاطمه خـاکستر و سیمـای تو

تو چراغ عرشی و ویـرانه شد مأوای تو

خـاک ویرانـه کجا و صورت زیبای تو؟!

بود در ویرانه بـر رأس پدر، چشم ترت

همچو بسمل بال زد در پیش چشمت خواهرت

*****

تو همای وحی بودی و پـرت را سوختند

لحظه لحظه سینـهٔ پـر آذرت را سوختند

نخل ایمان بودی و برگ و برت را سوختند

آخر از زهر ستم پـا تا سرت را سوختند

گر چه دیدی صدْمه و آزار و محنت آن همه

قـاتلت داغ پـدر بـود ای عـزیز فـاطمه

*****

سال‌ها بگذشت و بودی هیجده داغت به دل

سوختی یک عمر همچون شمع سوزان متصل

سینه‌ات چـون خیمه‌های سوخته شد مشتعل

ای به وقت سجده خاک از اشک چشمان تو گل

بر تـو می‌گریم که بر گل‌های پرپر سوختی

هر کجا دیدی جوان از داغ اکبر سوختی

*****

باغبانی گر به باغ لاله‌اش می‌داد آب

تو بـه یاد کام عطشان پدر رفتی ز تاب

گریه می‌کردی به یاد طفل معصوم رباب

بر لب خشک علی‌اکبر دلت می‌شد کباب

می‌بریـدی گوسفندی را اگر قصاب سر

یاد می‌کردی ز تیغ شمـر و حلقوم پدر

*****

کاش می‌شد قبر پاکت را بگیرم در بغل

همچو نور ماه، خاکت را بگیرم در بغل

سـاق پـای دردناکت را بگیرم در بغل

زخم قلب چاک چاکت را بگیرم در بغل

کاش می‌شد شیعه برگرد مزارت می‌گریست

روز و شب پیوسته «میثم» در کنارت می‌گریست

*****

۳- چرخ و فلک و ستاره حیران دیدم

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چرخ و فلک و ستاره حیران دیدم

آن محنت و غم که کس ندیده من آن دیدم

نوحی به هزار سال یک طوفان دید

من نوح نیم هزار طوفان دیدم

۴- سجاد را که ذات خدا مدح گفته است

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سجاد را که ذات خدا مدح گفته است

مانند او کریم کجا کس شنفته است

جز «لا اله» که گوید خدا یکی است

در عمر خویش به هیچ کسی لا نگفته است

۵- ای شام کربلای تو یا زین العابدین

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای شام کربلای تو یا زین العابدین

دل بزم ابتلای تو یا زین العابدین

یک عمر در فراق جوانان هاشمی

شد خون دل غذای تو یا زین العابدین

در بین خنده و کف و شادی گریستند

زنجیرها برای تو یا زین العابدین
چشم حسین و چشم شهیدان کربلا
گریند در عزای تو یا زین العابدین
ای کاش پر شود عوض اشک چشم ما
از خون ساق پای تو یا زین العابدین
در حیرتم که از چه به زنجیر بسته شد
دست گره گشای تو یا زین العابدین
ای کنز مخفی ازلی یک نفر نگفت
ویرانه نیست جای تو یا زین العابدین
آرد صدای گریه ی ما سر بر آسمان
از اشک بی صدای تو یا زین العابدین
تا حشر انقلاب حسین است سر بلند
در پای خطبه های تو یا زین العابدین
در کوچه های شام فقط سنگ های شام
بودند آشنای تو یا زین العابدین
خاشاک و سنگ و خنده و دشنام و هلهله
گردید رونمای تو یا زین العابدین
«میثم» سلام می دهد از دور صبح و شام
بر صحن با صفای تو یا زین العابدین

قبل از شهادت

۱- خداوندا شد خزان ازغم باغ گلهای نو بهارمن

مشخصات

مناسبت قبل از شهادت
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

خداوندا شد خزان از غم باغ گلهای نو بهار من

پریشان شد همچنان موی عمه ام زینب روزگار من

نباشد کس آشنای من ، به غل بسته دست و پای من

ای خدای من(۲)

*****

ندیده کس شاخ و برگ گل بسته بر زنجیر جفا باشد

خودم اینجا زخمی از سنگ امّا دلم در کربلا باشد

گرفته عقده گلوی من ، قلم شد دست عموی من

ای خدای من(۲)

*****

خودم دیدم عصر عاشورا مادرم زهرا می کند زاری

که از گوش نازک طفلی قطره قطره شد جوی خون جاری

شده محزون مادرم زهرا ، شده دلخون زینب کبری

ای خدای من(۲)

*****

خودم دیدم کودکی زیر تازیانه ها دست و پا می زد

گهی بابی غریبم گه عمه ام زینب را صدا می زد

خودم دیدم شعله ی آتش می کشد سر از خیمه های ما

به پیش چشم من و عمّه سر بریدند از لاله های ما

شهادت

۱- ای جگر پاره ی حسین مظلوم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای جگر پاره ی حسین مظلوم

سیدالساجدین امام مسموم

کشته ی راه خدایی

نجل مصباح الهدایی

یابن الزهرا یابن الزهرا

*****

سیدی عاقبت حقت ادا شد

جگرت پاره از تیر جفا شد

شیعه می گرید ز داغت

یاد قبر بی چراغت

یابن الزهرا یابن الزهرا

*****

کربلای تو در شام بلا بود

نگهت جانب طشت طلا بود

خون ز چشمانت روان بود

اجر قرآن خیزران بود

یابن الزهرا یابن الزهرا

*****

مصحف پیکرت دارد نشانه

هم ز زنجیر و هم از تازیانه

ای گناهت بی گناهی

یادگار قتلگاهی

یابن الزهرا یابن الزهرا

*****

شامیان بر در دروازه ی شام

بر سرت می زدند سنگ از لب بام

رأس بابا رو به رویت

دیده ی زینب به سویت

یابن الزهرا یابن الزهرا

*****

شامیان حرمت از شما شکستند

ده نفر را به یک سلسله بستند

داغتان را زنده کردند

کف زدند و خنده کردند

یابن الزهرا یابن الزهرا

*****

در خرابه خزان لاله دیدی

داغ دردانه ی سه ساله دیدی

دیده ات شد پر ستاره

تازه شد داغت دوباره

یابن الزهرا یابن الزهرا

*****

۲– شهادت حق الیقین است

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شهادت حق الیقین است

عزای زین العابدین است

این ناله ی روح الامین است

وا اماما واشهیدا

*****

دُردانه ی حسین مظلوم

چهارمین امام معصوم

از زهر کین گردیده مسموم

وا اماما واشهیدا

*****

این وارث خون و قیام است

اسیر کربلا و شام است

زخمی سنگ لب بام است

وا اماما واشهیدا

*****

مدینه شد کرب و بلایش

زهرا شده صاحب عزایش

به یاد زخم ساق پایش

وا اماما واشهیدا

*****

سر پدر به نیزه دیده

تلاوت قرآن شنیده

از ساق پایش خون چکیده

وا اماما واشهیدا

*****

بر پیکرش نشانه دارد

آثار تازیانه دارد

داغ گل ویرانه دارد

وا اماما واشهیدا

*****

مدینه می گرید ز داغش

مرغ دلم گیرد سراغش

سراغ قبر بی چراغش

وا اماما واشهیدا

*****

۳- سر خاک کف پای تو یا حضرت سجاد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سر خاک کف پای تو یا حضرت سجاد

جان، مست تولّای تو یا حضرت سجاد

دل غرق تجلّای تو یا حضرت سجاد

دست من و اعطای تو یا حضرت سجاد

پرواز دهد ذکر تو تا عرش دعا را

جنت، شنود از نفست بوی خدا را

*****

تو وجه خدا، دست خدا، چشم خدایی

تو روح دعا، بال دعا، قلب دعایی

تو کعبه و تو زمزم و تو سعی و صفایی

تو مشعر و خیف و عرفاتی و منایی

تا دور تو ای کعبه مقصود نگردند

حجاج، طواف حرم الله نکردند

*****

ای آب بقا، قطره‌ای از آب وضویت

وی خضر نبی، نخله سبزی، لب جویت

گلبوسه ی جان دو جهان بر گل رویت

ارباب دعا چشم گشودند به سویت

خورشید دو گیتی مه هر انجمنی تو

آئینه زهرا و حسین و حسنی تو

*****

مهر تو همه خیل رسل راست وظیفه

گفتار تو در لوح الهی است لطیفه

بر لعل لبت، بوسه ی آیات شریفه

مصحف، بود از فاطمه و از تو، صحیفه

اول علی از سلسله ی خیرالانامی

چارم ولی حق پدر هشت امامی

*****

تو نور فروزنده ی مصباح هدایی

سر سلسله ی نسل امام شهدایی

و ا... تو، پیغامبرِ خون خدایی

همسنگر سرهای ز تن گشته جدایی

هر چند که بر گردن خود، سلسله داری

جـا در دل بشکستـه ی هـر سلسله داری

*****

پرواز کند طایر وحی از چمن تو

شمشیر خدا خطبه ی دشمن‌شکن تو

افسوس که شد سنگ جواب سخن تو

زنجیر کند گریه به زخم بدن تو

بس گل، که به سر ریخت ز سنگ لب بامت

افسـوس کــه بردنـد بــه ویرانـه ی شــامت

*****

غیر تو که ای یوسف زهرای شهیده

گردیده پیام‌آور سرهای بریده

جای صلوات از همه دشنام شنیده

خون دلش از حلقه ی زنجیر چکیده؟

گیرم که عدو برد سوی شام خرابت

ای کاش نمـی‌برد سوی بزم شرابت

*****

ای طایر رحمت، ز چه رو بال و پرت سوخت

هر لحظه دل از شعله ی داغ دگرت سوخت

افسوس که در ماه محرّم، جگرت سوخت

از زهر جفا یکسره پا تا به سرت سوخت

یک کرب و بلا سوز، دلت بود به سینه

تا کرب و بـلا شد ز غمت شهر مدینه

*****

عمری به دل سوخته‌ات، سوز نهان بود

خون جگرت، دم به دم از دیده، روان بود

چشمت به عزای شهدا، اشک فشان بود

از کعب نی‌اَت، بر بدن خسته نشان بود

در غسل تو یاران ز جگر آه کشیدند

بـر پیکــر پاکـت اثر سلسله دیدند

*****

هر شب دل زارم شده، زوّار بقیعت

ای کاش نهم چهره به دیوار بقیعت

چون شمع بسوزم به شب تار بقیعت

خون گریه کنم، لحظه ی دیدار بقیعت

گیرم بـه دل شب ز دل خاک سراغت

گریم به تو و تربت بی شمع و چراغت

*****

من «میثم» دلسوخته ی زار شمایم

خاک قدم میثم تمّار شمایم

شرمنده که با هیچ، خریدار شمایم

هر چند بدم، عبد گنهکار شمایم

نامم ز ره لطف به خاطر بسپارید

در مصحف صدّیقه ی کبری بنگارید

*****

۴– ای حلقه های سلسله با من بنالید

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای حلقه های سلسله با من بنالید

بر زخم ساق پا و زخم تن بنالید

من امام عالمینم، من علی ابن الحسینم

*****

اگر چه می‌خندد عدو به زخم پایم

هجده سر بریده می گرید برایم

من امام عالمینم، من علی ابن الحسینم

*****

ای لاله‌های نوک نی قرآن بخوانید

ای سنگ‌ها بر زخم من اشکی فشانید

من امام عالمینم، من علی ابن الحسینم

*****

خاموشم و سوز دلم در آسمان است

ناموس من در مجمع نامحرمان است

من امام عالمینم، من علی ابن الحسینم

*****

ای ناقه، آهسته برو با آه و ناله

ترسم که افتد زیر پا طفل سه‌ساله

من امام عالمینم، من علی ابن الحسینم

*****

زنجیر خونین می‌دهد، فردا گواهی

از جسم مجروح اسیر بی‌گناهی

من امام عالمینم، من علی ابن الحسینم

*****

ای شامیان آخر چرا با من ستیزید؟

خاکستر و آتش به فرق من نریزید

من امام عالمینم، من علی ابن الحسینم

*****

۵- به لب آه و به دل خون و به لب اشک بصردارم

مشخصات

مناسبت ایام اسارت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

به لب آه و به دل خون و به لب اشک بصر دارم

شدم چون شمع سوزان آب و آتش بر جگر دارم
دلم خون شد، نخندید ای زنان شام بر اشکم
که هم داغ برادر دیده، هم داغ پدر دارم
کند اختر فشانی آسمان دیده ام دائم
که بر بالای نیزه هیجده قرص قمردارم
عدو دست مرا بست و اسیرم برد در کوفه
نشد تا نعش بابم را ز روی خاک بردارم
تمام عمر هر جا آب بینم اشک می ریزم
من از لب های خشک یوسف زهرا خبر دارم
از آن روزی که ثار الله را کشتند لب تشنه
به یاد کام خشکش لحظه لحظه چشم تر دارم
مسافر کس چو من نَبوَد که همراهِ سرِ بابا
چهل منزل به روی ناقه ی عریان سفردارم
از آن روزی که بالا رفت دود از آشیان ما
دلی از خیمه های سوخته سوزنده تر دارم
همه از آب رفع تشنگی کردند غیر از من
که هرجا آب نوشم بیشتر در دل شرر دارم
اگر چشمت به آب افتاد «میثم» گریه کن بر من
که آتش در دل و جان بر لب و خون در بصر دارم

۶- پاسخ فریاد من گشته کف و هلهله

مشخصات

مناسبت شهادت
سبک مرثیه
قالب آهنگین
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع یک ماه خون گرفته(۴)
تعداد استفاده ۰

متن شعر

پاسخ فریاد من گشته کف و هلهله
جای گل انداختند به گردنم سلسله

یا ابتا یا حسین (۲)

*****

من به تو می گریم و تو بهر من گریه کن

من به رگ پاره، تو به زخم تن گریه کن

یا ابتا یا حسین (۲)

*****

یکی ز زخم زبان، بر جگرم چنگ زد

یکی مرا کعب نی، یکی به من سنگ زد

یا ابتا یا حسین (۲)

*****

یکی تصدّق به ما، در مَلَاءعام داد

یکی سر راه ما، کف زد و دشنام داد

یا ابتا یا حسین (۲)

*****

میان نامحرمان خون شده زینب دلش

سر تو باشد درست برابر محملش

یا ابتا یا حسین (۲)

*****

گرفتم این شامیان، به ما همه دشمنند

چرا دگر کودکِ سه‌ساله را می‌زنند

یا ابتا یا حسین (۲)

*****

مرا نموده اسیر، یزید بیدادگر

کاش مرا مادرم نزاده بود ای پدر

یا ابتا یا حسین (۲)

*****

۷- گلان وحی را پرپر که دیده؟

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گلان وحی را پرپر که دیده؟

به گلشن، طایر بی سر، که دیده؟

تب و داغ و غل و زنجیر و دشنام

گلوی خشک و چشم تر که دیده؟

سوار ناقه با، بازوی بسته

زمین افتادن خواهر، که دیده؟

میان آفتاب شام و کوفه

رخ خورشید و خاکستر که دیده؟

به روی یاس‌ها جای سفیدی

ز سیلی رنگ نیلوفر که دیده؟

به رخسار هلالِ اوّلِ ماه

خدایا هیفده اختر که دیده؟

نشان سنگ در بالای نیزه

سر پاک علی اکبر که دیده؟

سرود و رقص و جشن و پایکوبی

به دور آل پیغمبر، که دیده؟

چهل منزل به همراه سکینه

سر عباسِ آب‌آور که دیده؟

لبِ خشکیده و آوای قرآن

شراب و چوب و طشت زر که دیده؟

بگو «میثم» امام دست بسته

اسیر آنهمه کافر که دیده؟

۸- من حجت پروردگارم شد حلقه ی سلسله یارم

مشخصات

مناسبت ایام اسارت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من حجت پروردگارم شد حلقه ی سلسله یارم

بر ناقه ی عریان سوارم

فریـاد فریـاد، زین همه بیداد (۲)

*****

عالم کند بر من توسل دشمن به جای حلق ?گل

انداخته بـر گردنم غل

فریـاد فریـاد، زین همه بیداد (۲)

*****

گردیده‌ام با اشک دیده زائر رگهای بریده

جانم ز غم بر لب رسیده

فریـاد فریـاد، زین همه بیداد (۲)

*****

مـن میهمان اهـل شامم سنگ آید از بالای بامم

دشنـام‌ها شـده سلامم

فریـاد فریـاد، زین همه بیداد (۲)

*****

سلسله گشته هم زبانم بر نیزه هجده سایبانم

قـاتل بـابـا ساربـانم

فریـاد فریـاد، زین همه بیداد (۲)

*****

ما را به هر وادی کشاندند بر فرق ما آتش فشاندند

گـوشه ی ویرانـه نشـاندند

فریـاد فریـاد، زین همه بیداد (۲)

*****

بـر نی سر پدر که دیده هجده گل پرپر که دیده

داغ علی‌اکبر کـه دیـده

فریـاد فریـاد، زین همه بیداد (۲)

*****

۹- گردن شیر کجا؟ غل و زنجیر کجا؟

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گـردن شیر کجا؟ غل و زنجیر کجا؟

نخل توحید کجا؟ سنگ تکفیر کجا؟

شامیان سنگ به ریحانه ی زهرا نزنید

خنده بر زخم دل زینب کبری نزنید

الامان واویلا، الامان واویلا

*****

نقش گلبوسه ی سنگ، مانـده روی بدنم

غـل و زنجیـر کنـد، گریه بر زخم تنم

اجـر و مـزد نبـی و عتـرت پیغمبرتـان

آمده سوت و کف و آتش و خاکسترتان

الامان واویلا، الامان واویلا

*****

نیزه‌هــا دورِ زنــان، همگــی دورْ زنـــان

یکطرف سر به سنان، یکطرف شمر و سنان

یا که از تیر حیا دیده ی خود کور کنید

یا ز محمـل، سـر بابای مرا، دور کنید

الامان واویلا، الامان واویلا

*****

خنده کردید ولی، اشک ما را دیدید

پای قرآن حسین، همگی رقصیدید

پیش یک مشت اسیر، از همه‌سو، صف نزنید

فاطمــه، آمــده در بیــن شما، کف نزنید

الامان واویلا، الامان واویلا

*****

شامیان! من پسرِ، پســر زهــرایم

چکمه ی سرخ شده، خون به ساق پایم

هـر طـرف، با سـر بابای شهیدم نبرید

با تن غرقه به خون، پیش یزیدم نبرید

الامان واویلا، الامان واویلا

*****

۱۰– شامیان من داغدارم هلهله کمتر کنید

مشخصات

مناسبت ایام اسارت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شامیان من داغدارم هلهله کمتر کنید

خارجی نه! زاده ی پیغمبرم باور کنید

کف زدن پایِ سر فرزند زهرا خوب نیست

نامسلمانان! حیا از دخت پیغمبر کنید

با چه جرمی عمه ام را پیش چشمم می زنید؟

نه حیا از فاطمه، نه شرم از حیدر کنید

گشته جای شیر جاری اشک از چشم رباب

جای خنده، گریه با آن مهربان مادر کنید

میهمانم، زاده ی پیغمبرم، آیا رواست

جای عطر گل، نثارم خاک و خاکستر کنید؟

این سر ریحانه ی زهراست بر بالای نی

از چه رو با خنده استقبال از این سر کنید
کوچه کوچه سنگ بگرفتید جای گل به دست
تا نثار فرق مجروح علی اکبر کنید
زخم زنجیر مرا دیدید و خندیدید باز
شادمانی پای اشک عمه ام کمتر کنید
فاطمه با ماست ای نامرد مردم! کِی رواست
رقص پای گریه ی صدیقه ی اطهر کنید؟
شیعیان با شعر «میثم» در غم ما اهل بیت
دیده را لبریز از خون، سینه پر آذر کنید

۱۱- شب های غربت تو گذشت و سحر نداشت

مشخصات

مناسبت ایام اسارت
سبک مرثیه
قالب غزل
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع دو دریا اشک ۲
تعداد استفاده ۰

متن شعر

شب های غربت تو گذشت و سحر نداشت
حتی سحر غم از دل تو دست برنداشت
در حیرتم که سلسله آهنین مگر
جایی ز زخم گردن تو خوب‌تر نداشت
زخم تن تو را همه دیدند و هیچکس
غیر از خدا ز زخم درونت خبر نداشت
دنیا چه کرد با تو که هجده عزیز تو
تن‌هایشان به روی زمین بود، سر نداشت
سنگت زدند بر سر بازارهای شام
با آنکه جز تو یوسف زهرا پسر نداشت
هجده سر بریده برایت گریستند
آهت هنوز در دل دشمن اثر نداشت

سوزم بر آن عزیز که در آفتاب سوخت
یک سایبان به جز سرِ پاکِ پدر داشت
حـال تـو بـود در دل گـودال قتلگاه
چون بسملی که بال زد و بال و پر نداشت
مهمـان شـام بـودی و بهر تو میزبان
جز گوشه ی خرابه مکانی دگر نداشت
سوز شما به سینه «میثم» اگر نبود
اینقدر نخل سوخته ی او ثمر نداشت

۱۲- شامیان دف نزنید، پیش ما صف نزنید

مشخصات

مناسبت ایام اسارت
سبک مرثیه
قالب آهنگین
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع یک ماه خون گرفته(۱)
تعداد استفاده ۰

متن شعر

شامیان دف نزنید، پیش ما صف نزنید
دور رأس شهدا این قَدَر کف نزنید
روز ما را دگر از زخم زبان، شب نکنید
خنده بر اشک من و گریه ی زینب نکنید
آه از کرب و بلا، وای از شام بلا
*****
عوض ذکر سلام، ندهیدم دشنام
کس به مهمان نزند سنگ کین از لب بام
نسب و نام و مقامم همگی می دانید
به چه تقصیر و گنه خارجیم می خوانید
آه از کرب و بلا، وای از شام بلا
*****
من نبی را ثمرم، من علی را پسرم

خار و خاشاک ز بام، کس نریزد به سرم

این قدر دخت علی را به کنارم نزنید

تازیانه به تن خواهر زارم نزنید

آه از کرب و بلا، وای از شام بلا

*****

کربلا داغ پدر، عطش و اشک بصر

شام غم زخم زبان، آتشم زد به جگر

عمه ام با بدن خسته دعایم می کرد

سر بابا سر نی، گریه برایم می کرد

آه از کرب و بلا، وای از شام بلا

*****

منم و سلسله ام، میر این قافله ام

پیش رو رأس حسین، همه سو هلهله ام

زخم تن، زخم زبان، قسمت و تقدیر من است

مونس و همدم من، حلقه ی زنجیر من است

آه از کرب و بلا، وای از شام بلا

*****

هر کجا دیدم آب، جگرم گشت کباب

کردم از سوز درون، گریه بر طفل رباب

شعله های عطشش را به دل احساس کنم

یاد بی آبی و بی دستی عباس کنم

آه از کرب و بلا، وای از شام بلا

*****

۱۳- ناله های آتشین دارد مدینه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ناله های آتشین دارد مدینه
داغ زین العابدین دارد مدینه
وا اماما واغریبا واشهیدا
وا اماما واغریبا واشهیدا
*****
مانده بر لب نغمه های دلنشینش
پاره پاره گشته قلب نازنینش
وا اماما واغریبا واشهیدا
وا اماما واغریبا واشهیدا
*****
روز و شب خون دل و اشک بصر داشت
داغ هفتاد و دو لاله برجگر داشت
وا اماما واغریبا واشهیدا
وا اماما واغریبا واشهیدا
*****
گه به یاد فرق اکبر گریه می کرد
گه برای حلق اصغر گریه می کرد
وا اماما واغریبا واشهیدا
وا اماما واغریبا واشهیدا
*****
جای گل بر گردنش دشمن غل انداخت
بر بدن از سلسله، زخمش گل انداخت
وا اماما واغریبا واشهیدا
وا اماما واغریبا واشهیدا
*****
شامیان بر اشک چشمش خنده کردند
کف زدند و داغ او را تازه کردند
وا اماما واغریبا واشهیدا
وا اماما واغریبا واشهیدا
*****
هم به گردن هم به تن دارد نشانه

جای زنجیراست و جای تازیانه

وا اماما واغریبا واشهیدا

وا اماما واغریبا واشهیدا

*****

۱۴- ای حسین بن علی را وارث خون و قیام

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای حسین بن علی را وارث خون و قیام

ای صفا و مروه ات از کربلا تا شهر شام

یا علی ابن الحسین یا علی ابن الحسین

*****

بوسه های حلقه ی زنجیر بر اعضای تو

لحظه ها شد در اسارت لیلهٔ الاسرای تو

ناقهٔ عریان براق آسمان پیمای تو

راس بابا بُر سر نی بر تو می گوید سلام

یا علی ابن الحسین یا علی ابن الحسین

*****

ای نشان حلقه های سلسله بر گردنت

لاله گون از خون زخم گردنت پیراهنت

با لب عطشان به صورت اشک دامن دامنت

با سر بابا چهل منزل تو بودی هم کلام

یا علی ابن الحسین یا علی ابن الحسین

*****

بر فراز نی سر شاه شهیدان یک طرف

رقص و شادی یک طرف آوای قرآن یک طرف

خنده و دشنام یک سو، چشم گریان یک طرف

ریخت دشمن بر سرت خاکستر از بالای بام

یا علی ابن الحسین یا علی ابن الحسین

*****

ای که گرد شمع رویت عالمی پروانه بود

با چه جرمی جای تو در گوشه ی ویرانه بود

داغ بابا بر دل و کوه غمت بر شانه بود

شامیان با هلهله از تو گرفتند احترام

یا علی ابن الحسین یا علی ابن الحسین

*****

بر تو می گریم که شد زنجیر دشمن یار تو

بر تو می گریم که عمری گریه بوده کار تو

بر تو می گریم به یاد قبر بی زوار تو

ای مزار بی چراغت برتر از بیت الحرام

یا علی ابن الحسین یا علی ابن الحسین

*****

۱۵- روح من کربلا جسم من سوی شام

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

روح من کربلا جسم من سوی شام

هستی من شده کربلا قتل عام

لاله ها را تشنه چیدند ، باب من را سر بریدند ، وا مصیبت

خسته ی خسته ام ، دست و پا بسته ام ، من غریبم

*****

آتشم می زند غربت عمه ام

چون شکسته عدو حرمت عمه ام

می زند با هر بهانه ، عمه ام را تازیانه ، وامصیبت

خسته ی خسته ام ، دست و پا بسته ام ، من غریبم

*****

زینب و من شدیم در میان همه

وارث غربت حیدر و فاطمه

سهم من دستان بسته ، سهم او پشتی شکسته ، وامصیبت

خسته ی خسته ام ، دست و پا بسته ام ، من غریبم

*****

۱۶- سینه ام از کینه خستند قلب بیمارم شکستند

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سینه ام از کینه خستند قلب بیمارم شکستند

مثل بابای غریبم دستهای من ببستند

*****

آرزو هایم پریدند دشمنان از ره رسیدند

گر چه من بیمار بودم بستر از زیرم کشیدند

*****

آرزوهایم پریدند خیمه را آتش کشیدند

خواهران کوچک من پا برهنه می دویدند

*****

یادم آمد از رباب و شیرخواره اصغر او

حرمله تیر سه شعبه زد به زیر حنجر او

*****

خصم می زد کودکان را ظالمانه وحشیانه

آن یکی با کعب نیزه این یکی با تازیانه

*****

آن طرف جلاد مردی مشت او پر گوشواره

این طرف مردی شتابان روی دوشش گاهواره

۱۷- لاله ای پژمرده و بی باغبانم ای خدا

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

لاله ای پژمرده و بی باغبانم ای خدا

طایری پر بسته و بی آشیانم ای خدا

روزگاری بود هفتادم قمر اما کنون

یک ستاره نیست در هفت آسمانم ای خدا

روزگاری سایه ی بابا به سر بودم ولی

این زمان بر نیزه گشته سایبانم ای خدا

جان من در قتلگه جا مانده و از جسم من

مانده باقی پوستی بر استخوانم ای خدا

نیمه جان خویش را مرهون لطف زینبم

تا ابد شرمنده از این قد کمانم ای خدا

دانه ی زنجیر هم در غربتم خون گریه کرد

جای چشم و اشک او باشد نشانم ای خدا

۱۸- من نگویم ظلم بر من کم کنید

مشخصات

مناسبت ایام اسارت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من نگویم ظلم بر من کم کنید

بلکه زنجیر مرا محکم کنید

بر رخ از خون جبین رنگم زنید

جمع گردید و مرا سنگم زنید

ظلم از این بیشتر با ما کنید

لیک دست عمه ام را وا کنید

باید او اطفال را یاری کنید

زین امانت ها نگهداری کنید

۱۹- اگر چه آیه ی قالوا بلایم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اگر چه آیه ی قالوا بلایم

شهید زنده ی کرببلایم

اگر چه مانده بهرم قلب بی تاب

خجالت می کشد از قلب من آب

من و عمه دو یار سینه خسته

سفر کردیم با هم دست بسته

به قلبم زخم آن شمشیر افتاد

به دور گردنم زنجیر افتاد

به گوش دختران دلشکسته

بجای گوشواره خون نشسته

چو بینم شمع بزمی را خموش است

چو بینم مشک آبی روی دوش است

بیادم عاشق سر مست آید

غم آن ساقی بی دست آید

من از سیلاب غمها رنگ خوردم

دلا از سنگ دلها ، سنگ خوردم

مرا غم تا ابد دلگیر کرده

مرا داغ سه ساله پیر کرده

چو بابا را عدو نقش زمین کرد

مرا با تازیانه همنشین کرد

همان خیمه که در آتش بر افروخت

همان چادر که در آن خیمه می سوخت

کنار چادر خاکی زهرا

بیادش چشمه ی چشمم چو دریا

۲۰- میان خیمه ها بودم که دشمن آتشی افروخت

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

میان خیمه ها بودم که دشمن آتشی افروخت

اگر عمه نمی آمد تن تبدار من می سوخت

به روی قبر بابایم خودم سنگ لحد چیدم

بجای رأس خونینش رگ بریده بوسیدم

تن عریان بابایم لگد با سم اسبان شد

چه بگذشت آنزمان بر ما که گل با خاک یکسان شد

امان از ظلم شام و شامیان بی حیا فریاد

فراموشم نگردد در خرابه خواهرم جان داد

۲۱- دریا به دیده ی تر من گریه می کند

مشخصات

مناسبت ایام اسارت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دریا به دیده ی تر من گریه می کند

آتش ز سوز حنجر من گریه می کند

سنگی که می زنند به فرقم ز روی بام

بر زخم تازه ی سر من گریه می کند

از حلقه های سلسله خون می چکد چو اشک

زنجیر هم به پیکر من گریه می کند

ریزد سرشک دیده ی اکبر به نوک نی

اینجا به من برادر من گریه می گند

وقتی زدند خنده به اشکم زنان شام

دیدم سه ساله خواهر من گریه می کند

رأس حسین بر همه سر می زند ولی

چون می رسد برابر من گریه می کند

ای اهل شام پای نکوبید بر زمین

کاینجا ستاده مادر من گریه می کند

زنهای شام هلهله و خنده می کنند

جایی که جد اطهر من گریه می کند

۲۲- آه ، از نفس افتادم ، عاقبت جان دادم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع لاله های حسینی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آه ، از نفس افتادم ، عاقبت جان دادم

امام سجادم ، واویلا واویلا

آنچه من دیدم کسی ندیده

کردم زیارت گلهای چیده

منکه همچون لاله پژمردم

در این سفر بارها مُردم

واویلا واویلا

*****

آه ، روز من شد سیاه ، سینه پر شد ز آه

بودم در قتلگاه ، واویلا واویلا

دیدم عمه با قد خمیده

بوسه زد بر رگهای بریده

چشم من شد پر از ستاره

شد قتلگه دارالزیاره

واویلا واویلا

*****

آه ، ناله ام شنیدند ، گلهایم را چیدند

به اشکم خندیدند ، واویلا واویلا

غم شد طبیب دل بیمارم

آتش خیمه شد پرستارم

به خدا ممنون عمه ام

همیشه مدیون عمه ام

واویلا واویلا

*****

آه ، با چشم خونبارم ، با تن تبدارم

قافله سالارم ، واویلا واویلا

چه بگویم من از این دل تنگ

شدم گلباران در کوفه با سنگ

دلم را با طعنه بشکستند

مثل علی دستم را بستند

واویلا واویلا

*****

۲۳- طایر وحی ام و گردیده جدا بال و پرم

مشخصات

مناسبت ایام اسارت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

طایر وحی ام و گردیده جدا بال و پرم

زخم ها مانده ز هر زخم زبان بر جگرم

منم آن یار سفر کرده که تا شام بود

سر پاک شهدا بر سر نی همسفرم

مردم شام نخندید که بر نوک سنان

می کند گریه برایم سر پاک پدرم

سنگ هایی که به فرقم ز ره کینه زدید

گریه کردند به حال من و بر زخم سرم
پدرم کشته شد اینک بگذارید از شام
عمه و خواهر خود را به مدینه ببرم
خار و خاشاک و کف و کعب نی و سنگ بس است
نزنید این همه لبخند به زخم جگرم
سر بابا به سر نیزه و من گام به گام
با سر و قاتل و با عمه ی خود رهسپرم
دل شب نافله می خوانم و در حال نماز
سر نورانی باباست چراغ سحرم
با وجودی که عدو بر سر من آتش ریخت
شسته شد حلقه ی زنجیر ز اشک بصرم
همه جا در شرر ناله ی «میثم» پیداست
شعله ی ناله و سوز جگر و چشم ترم

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».